

فهرست مطالب

لغات درس به درس کتابها

یک دهم

صفحه ۱

دو دهم

صفحه ۸

سه دهم

صفحه ۱۵

چهار دهم

صفحه ۲۲

یک یازدهم

صفحه ۳۰

دو یازدهم

صفحه ۳۹

سه یازدهم

صفحه ۴۸

یک دوازدهم

صفحه ۵۶

دو دوازدهم

صفحه ۶۹

سه دوازدهم

صفحه ۸۳

صفحه ۹۷

لغات منتخب کنکورهای ۱۰ سال اخیر به همراه تست

صفحه ۱۱۵

لغات منتخب و مفید منابع احتمالی به همراه تست

صفحه ۱۵۵

ترکیبات و افعال چند کلمه‌ای احتمالی و منتخب

صفحه ۱۵۹

ترکیبات مکالمه‌ای language function به همراه تست

15	صفحه	following	پیش رو	need	نیاز داشتن
save	حفظ کردن	orally	به صورت شفاهی	plain	ساده
nature	طبیعت	around	سراسر	22	صفحه
save	نجات دادن / ذخیره کردن	plan	برنامه ریزی کردن	find	یافتن
17	صفحه	excuse	عذر	increase	افزایش یافتن
match	تطبیق دادن	orally	از طریق دهان	lake	دریاچه
picture	تصویر	20	صفحه	among	درمیان
phrase	عبارت	expression	اصطلاح	recently	اخیراً
putting out	خاموش کردن	read	خواندن	learn	یادگرفتن
the fire	آتش سوزی	practice	تمرین کردن	wildlife	حیات وحش
hurt	آسیب زدن	tiger	ببر	hunter	شکارچی
animal	حیوان	wild	وحشی	hunting	شکار
cut down	بریدن	forest	جنگل	anymore	دیگر (در جمله منفی)
injured	مجروح	destroy	نابود کردن	find	فهمیدن / دیدن (ویژگی)
match	مسابقه / کبریت / ست بودن	die out	منقرض شدن	23	صفحه
18	صفحه	about	نزدیک / حدود	comprehension	فهم / درک
word	کلمه	look	به نظر رسیدن	mountain	کوه
goat	بز	about	درباره	true	صحیح
wolf	گرگ	expression	ابراز / حالت	false	غلط
whale	وال / نهنگ	21	صفحه	past	گذشته
leopard	پلنگ	attention	توجه	interested	علاقه مند
duck	اردک	pay attention	توجه کردن	protect	حفاظت کردن
19	صفحه	natural	طبیعی	halves	نیمه ها
work	کار کردن	zebra	گورخر	mean	معنی داشتن
excuse me	ببخشید	plain	دشت	mean	منظور داشتن / قصد داشتن
cheetah	یوزپلنگ	nice	خوب	true	واقعی
know	آگاه بودن / دانستن	place	مکان	24	صفحه
around	حدود / دوروبر	north	شمال	dry	خشک
right	صحیح / درست	west	غرب	country	کشور
really	واقعا	hope	امید	stay	ماندن
plan	برنامه	a few	تعداد کمی	near	نزدیک
life	زندگی	human	بشر	nowadays	امروزه
take care (of)	توجه / مراقبت کردن	instead	در عوض	world	جهان
answer	پاسخ دادن	someone	کسی	lose	از دست دادن
		something	چیزی	any	هیچ (نوع / گونه)
		else	دیگر	plant	گیاه

67-The environmental caused by road building, hunting and cutting down the trees illegally will be the main reason for the downfall of this region.

- 1) destruction 2) disease 3) death 4) nature

68-I'm sick and tired of going to the same restaurant over and over, how about we eat at Le Bistro?

- 1) anymore 2) instead 3) lately 4) around

69-The children I used to work with had a short span and got distracted easily. Keep that in mind if you're going to teach that class.

- 1) life 2) attention 3) future 4) plan

70-There was something about this person's character and movements that drew my

- 1) hope 2) expression 3) attention 4) care

کلمات نورد هم

43

صفحه

wonder	شگفتی
creation	خلقت / ایجاد
sign	نشانه
heaven(s)	آسمان(ها)
creation	خلق (اثر ادبی / هنری)
wonder	از خود پرسیدن
sign	امضا کردن

45

صفحه

planet	سیاره
go around	چرخیدن
amazing	شگفت انگیز
wonderful	شگفت آور
system	نظام / مجموعه
interesting	جالب توجه
order	مرتب کردن
interest	علاقه
order	سفارش دادن / نظم و ترتیب
	سفارش / دستور / دستور دادن
interest	سود بانکی

46

صفحه

ring	حلقه
------	------

heart	قلب
blood	خون
observatory	رصدخانه
telescope	تلسکوپ
microscope	میکروسکوپ
put	قرار دادن
ring	زنگ زدن

47

صفحه

rocky	سخت/سنگی
orbit	دور زدن
interested	علاقه مند
alike	شبيه
different	متفاوت
orbit	مدار
size	اندازه
Mars	مریخ
Saturn	زحل
Uranus	اورانوس
Mercury	عطارد
Venus	زهره
Jupiter	مشتری
Neptune	نپتون
orally	به طور شفاهی

orally	دهانی
--------	-------

48

صفحه

expression	اصطلاح
liquid	مایع
drop	قطره
paint	رنگ
cell	سلول
thousand	هزار
village	روستا
microbe	میکروب
daily	روزانه
exercise	تمرین
exercise	تمرین کردن
expression	ابراز / بیان / حالت
drop	چکیدن / کاهش یافتن / کاهش دادن

49

صفحه

lake	دریاچه
famous	معروف
clear	زلزال
pump	ارسال کردن / پمپاژ کردن
round	سراسر
healthy	سالم

5	صفحه	suffix	پسوند	Kazakhstan	قزاقستان
Allah	الله	present perfect	حال کامل	Tajikistan	تاجیکستان
sign	نشانه	phrasal verb	فعل دو بخشی	Russia	روسیه
power	قدرت	emergency	موارد غیرمترقبه	Mongolia	مغولستان
creation	خلقت / ایجاد	gerund	اسم مصدر	Uzbekistan	ازبکستان
heavens	آسمان(ها)	present	حاضر/هدیه/ ارائه کردن	Turkmenistan	ترکمنستان
also	همچنین	12	صفحه	Afghanistan	افغانستان
variation	تفاوت	culture	فرهنگ	Pakistan	پاکستان
verily	حقیقتاً	handicraft	صنایع دستی	Syria	سوریه
men of knowledge	دانشمندان	recognize	تشخیص دادن	Iraq	عراق
sign	اشاره/ تابلو / امضا کردن	reference	منبع	Saudi Arabia	عربستان سعودی
creation	خلق (اثر ادبی هنری)	antonym	متضاد	Jordan	اردن
10	صفحه	conditional	شرطی	Kuwait	کویت
understand	فهمیدن	type	نوع	United Arab Emirates	امارات متحده عربی
get ready	آماده شدن	condition	وضعیت / شرط	Persian gulf	خلیج فارس
introduction	مقدمه	result	نتیجه	India	هند
expression	عبارت / اصطلاح	intonation	طرز تلفظ جمله	Bangladesh	بنگلادش
vocabulary	واژگان	infinitive	مصدر	familiar with	آشنا به
strategy	راهکار	15	صفحه	circle	دایره کشیدن
scan	نگاه جويا داشتن	interesting	جالب	if	که آیا
comprehension	فهم / درک	facts	موارد	circle	دایره / دور چیزی گشتن
development	پیشرفت	written	نوشتاری	look at	چک کردن
synonym	مترادف	form	شکل	18	صفحه
uncountable	غیرقابل شمارش	Holy Quran	کتاب مقدس قرآن	sign	تابلو
price	قیمت	available	موجود	meaning	معنی
pronunciation	تلفظ	deaf	ناشنوا	extra	اضافی
simple	ساده	sign	اشاره	parking lot	محل پارک ماشین
review	مرور	communicate	ارتباط برقرار کردن	quiet	ساکت
understand	درک کردن	form	نوع / تشکیل دادن	keep off	دوری کردن
number	شماره گذاری کردن	communicate	حالی کردن/مطلع کردن	number	شماره گذاری کردن
expression	ابراز / حالت	17	صفحه	following	پیشرو
price	قیمت گذاری کردن	look at	نگاه کردن به	activity	فعالیت
11	صفحه	Georgia	گرجستان	according to	بر طبق
lifestyle	سبک زندگی	Armenia	ارمنستان	how frequently	چند وقت یکبار
skim	اجمالی خواندن	Azerbaijan	آذربایجان	surf	گشت و گذار
prefix	پیشوند	Turkey	ترکیه	the net	اینترنت
				letter	نامه

15	صفحه	have to	باید	hear of	شنیدن درباره
sense	حس	each other	یکدیگر	guess	گمان کردن
appreciation	قدردانی	donate	اهدا کردن	sure about	مطمئن از
interesting	جالب	appropriate	اختلاس کردن	to be born	زاده شدن
facts	حقایق	match	کبریت / مسابقه	receive	دریافت کردن
others	دیگران	respect	احترام / جنبه (لحاظ)	diploma	مدرک تحصیلی
lower	کاهش دادن			abroad	(کشور) خارج
blood	خون	18	صفحه	medicine	طب
kindness	مهربانی	famous	مشهور	hometown	میهن
boost	بالا بردن	read about	مطالعه کردن درباره	close	صمیمی / نزدیک
strength	قدرت	positive	مثبت	generous	بخشنده
elderly	سالمند	adjective	صفت	medicine	دارو
advice	نصیحت	polite	مؤدب	regard	منزلت / احترام
improve	بهبود بخشیدن	cruel	ظالم	receive	استقبال کردن / پذیرایی کردن
take care of	مراقبت کردن	lazy	تنبل	spare	اضافی (یدکی) / صرف کردن / مضایقه کردن (کوتاهی کردن)
grandchild	نوه	loving	مهربان / دلسوز	distinguish	تشخیص دادن (شناختن) / متمایز کردن
brain	مغز			dedicate	وقف کردن / ایثار کردن
function	عملکرد	19	صفحه		
memory	حافظه	take temperature	گرفتن درجه تب	20	صفحه
improve	پیشرفت کردن	physician	پزشک	cure	درمان کردن
function	مکانیزم / ایفای نقش کردن	regard	به حساب آوردن	sick	بیمار
appreciation	فهم (درک)	dedicated	فداکار / متعهد	friendly	مهربان
		spare no pains	از تلاشی دریغ نکردن	helpful	کمک کننده
17	صفحه	distinguished	متمایز	regard as	به حساب آوردن
following	پیشرو	not surprisingly	طبق انتظار	It's a pity!	چه حیف!
check	علامت گذاشتن	found	احداث کردن	great	بزرگ
appropriate	مناسب	medical center	مرکز پزشکی	professor	استاد دانشگاه
behaviors	رفتار	terrible	شدید		
match	تطبیق دادن	flu	سرماخوردگی/آنفولانزا		
selected	انتخاب شده				
respect	احترام گذاشتن				

abbreviate	مخفف کردن	benevolence	سخاوت و کرامت	contrasting	در تضاد با
absolutely	کاملاً	blame	مقصر دانستن/تقصیر	contribute to	کمک کردن
abstract	انتزاعی	blot out	پوشاندن و مخفی کردن	convert	تبدیل کردن
accessible	قابل دسترسی	boost	بالا بردن	cooperative	همراه و مفید/کمک کننده
accommodation	انطباق و هماهنگی/جا و محل سکونت	bother	اذیت کردن	coordination	هماهنگی
accompany	همراهی کردن	briefly	به طور خلاصه	correspond to	تطابق داشتن
accuse	متهم کردن	break up	قطع (رابطه) کردن	cost	هزینه
achieve	دست یافتن	carelessly	سهل انگارانه	coverage	پوشش
acknowledge	اذعان کردن	catastrophe	فاجعه	criterion	معیار و ملاک
actually	در حقیقت	category	دسته	crucially	حیاتی
adapt	سازگار کردن	challenge	به چالش طلبیدن	currency	پول
adore	عشق ورزیدن	challenging	چالش برانگیز	decline	پسرفت
advanced	پیشرفته	charity	خیریه	dedicate	اختصاص دادن
advertisement	تبلیغات	cling to	چسبیدن به	deficiency	کمبود
affect	تاثیر گذاشتن	coherent	منسجم	demonstrate	نشان دادن
allocate	اختصاص دادن	cohesive	منسجم	densely	انبوه
alternative	جایگزین	collection	مجموعه	deny	رد کردن
ambience	محیط	color	رنگ کردن	derive	ناشی شدن
ambiguous	گنگ	commit	مرتکب شدن	destination	مقصد
amount to	شدن / برابر بودن	commonly	رایج	destiny	سرنوشت
exploration	کاوش	communication	ارتباط	detach	جدا کردن
annoyance	رنجش	comparison	مقایسه	devote	وقف کردن
anticipate	انتظار داشتن	compensate for	جبران کردن	diagnosis	تشخیص
anxiously	با اضطراب	competence	کفایت	dictate	دستور دادن
appointment	قرار ملاقات	competition	رقابت	difference	تفاوت
appreciate	قدردانی کردن	compliment	تعریف	differentiated	تمتیمز
appropriate	مناسب	compose	ساختن	diminish	تضعیف کردن
arbitrary	دلبخواهی(همینجوری)	compromise	چشم پوشی کردن	dismal	ناراحت کننده
arise	پیش آمدن	concerned	نگران	disorder	اختلال
ashamed	خجالت زده	condition	شرایط	disposal	دور انداختن
aspect	بُعد و جنبه	confidence	اعتماد	dispute	کشمکش
assign	سپردن کاری	confirmation	تایید	distinguish	تمتیمز کردن
assist	یاری کردن	confirm	تایید کردن	distract	حواس پرت کردن
assure	مطمئن کردن	conform	سازگار شدن/ تبعیت کردن	disturb	مزاحم شدن
attain	دست یافتن	confuse	گیج کردن	diverge	جدا شدن
attempt	تلاش کردن	conjure up	تجسم کردن	diversity	تنوع
attention	توجه	consciously	خودآگاهانه	document	سند و مدرک
attractive to	جذاب	consent	رضایت	dominate	مسلط شدن
attribute	نسبت دادن به/ خصلت	consequence	عواقب	doubtful	مشکوک
authority	قدرت	consider	در نظر گرفتن	dramatic	شدید و مشهود
availability	موجود بودن	consistent	مداوم	drive	رانندگی کردن
basically	اساساً	contact	ارتباط	efficient	کارآمد
bend	خم کردن/شدن	contemporary	امروزی	effortless	راحت

911- If you want to feel healthy and fresh, you need to make sure that your body receives the it needs.

- 1) nutrients 2) features 3) organs 4) processes

912- The north Pole rests in the middle of the arctic ocean where the surface of ice rides just a foot or so above the surrounding sea.

- 1)floating 2)bending 3)releasing 4)contrasting

913- Within a few days she had become ill, suffering great pain and discomfort.

- 1)anxiously 2)seriously 3)immediately 4)contrasting

914- Stars' lifetimes vary from a few million years to billions of years. It depends on how fast a star uses up its nuclear

- 1)plate 2)fuel 3)weight 4)involvement

915- Charlie preferred to remain unnoticed in the crowd, for his natural shyness led him to avoid

- 1)comparison 2) confidence 3) expression 4) attention

916- The poverty figures were undoubtedly the president; he was however, determined to solve this problem as quickly as possible.

- 1) a reference to 2)a forecast for 3) an exploration for 4)an embarrassment to

917- Not wanting to the driver, the passengers did not talk to him throughout the long trip.

- 1) remove 2)prevent 3) distract 4) instruct

918- As I notice that those in the conference were getting tired, I decided to omit some of the topics I planned to talk about and deal with those left as as possible.

- 1) briefly 2)nearly 3) basically 4) necessarily

919- According to a new report, some people who live on the street have dangerous mental health

- 1) issues 2) events 3) amounts 4) functions

920- Many people may have that the more difficult an article is, the more work has gone into writing it ; but this is not always the case.

- 1) a result 2) an emotion 3) a possibility 4) an impression

921- To be more at peace, one should oneself from the external influence as though they are of no interest at all.

- 1) detach 2) derive 3) identify 4)overcome

922- Creation of the modern oceans required two obvious: water and a container in which to hold it.

- 1) aspects 2) impacts 3) ingredients 4) consequences

923- The scientific case for life elsewhere has grown stronger during the past decade and there is now a that we are verging on the discovery of life on other planets.

- 1) sense 2) matter 3) manner 4) mystery

924- Details of what happened to the missing ship are difficult to because of a lack of first-hand evidence.

- 1) confuse 2) establish 3)restrict 4) forget

925- Having so many muscles, it was for the bodybuilder to lift a heavy box over his head.

- 1) doubtful 2) efficient 3) effortless 4)impractical

abhor	ترس و تنفر داشتن	alternate	تناوب/یک در میان کردن	astounding	حیرت‌انگیز
abide	تاب آوردن	alternative	جایگزین	at a glance	با یک نگاه
absorbent	دارای خاصیت جذب	amend	اصلاح کردن/ بهبود دادن	attach	چسباندن / پیوست کردن
abundance	ازدیاد	ambition	جاه‌طلبی	aattachment	ضمیمه
accelerate	شتاب بخشیدن	ambitious	جاه‌طلب / بلندپرواز	attitude	رویکرد
acclaim	ادعا کردن	ambivert	میانه‌گرا	attribute	ویژگی و خصوصیت
accompany	همراهی کردن	amphibian	دوزیست	at the expense of	به بهای
accomplish	انجام دادن	ample	فراوان	audience	مخاطب
accumulate	انباشتن، افزودن	announce	اعلام کردن	authority	قدرت و اعتبار
accuracy	دقت	anonymity	گمنامی / ناشناسی	authorize	قدرت دادن
accuse	متهم کردن	anticipate	انتظار داشتن	avoid	جلوگیری کردن
acquaintance	آشنا	antlers	شاخ گوزن	awake	بیدار / هشیار
acute	دقیق	apex	نوک / اوج	award	جایزه
adapt	وفق(تطبیق)دادن	apparent	واضح	awesome	فوق‌العاده
addictive	اعتیادآور	appearance	حضور	backlash	واکنش شدید
adjacent	نزدیک/مجاور/همسایه	appendix	ضمیمه/ پیوست	backward	روبه‌عقب
admit	اقرار کردن	applause	تشویق	baffled	گیج و گنگ
adolescent	نوجوان	appliance	ابزار/ دستگاه	banish	تبعید کردن
adult	بالغ	appointment	قرار	barrier	مانع/حصار/ مشکل
adventurer	ماجراجو	appraisal	ارزیابی / تخمین	basis	پایه
add up to	منجر شدن به	approval	تایید	beat	زدن
advantage	مزیت	approve	تأیید کردن	become extinct	منقرض شدن
adventure	ماجراجویی	aquatinted	آشنا	belt	کمربند/تسمه
adverse	مغایر/مخالف	arch	قوس/بزرگ	bend	خم کردن / خم شدن
advertise	تبلیغ کردن	argue	بحث کردن	beneath	زیر
affect	تاثیر گذاشتن	arguably	احتمالاً / طبق شواهد	benefit	منفعت
affordable	ارزان/ به قیمت	argument	بحث	bias	تعصب / جانبداری
agile	زیرک	armament	تسلیحات	bill	صورتحساب
aggravation	شدت/ سختی	articulation	شیوه بیان/ بیانگر	bin	سطل زیاله
aggregate	مجموع/ جمع	aspect	جنبه	blame	تقصیر/ مقصر کردن
agonizing	دردناک	assign	مامور کردن	blanket	پتو
albeit	با این وجود/ گرچه	assignment	ماموریت / تکلیف	blink	پلک زدن
algae	چلیک	assist	یاری کردن	blunt	کند / رک
allocate	اختصاص دادن	assistance	یاری/ همراهی	bond	قرارداد/ضمانت‌نامه
allow	اجازه دادن	assistant	دستیار	boom	ترقی کردن/افزایش دادن
ally	متحدشدن/ پیوستن	assume	گمان کردن	border	مرز
alongside	درکنار/ دوشادوش	aesthetics	زیبایی/ زیبایی شناسی	bother	اذیت کردن

1588. In theof fire ,you should call the police immediately.

- 1) event 2)reaction 3)danger 4)case

1589. What is your? Is it wise to buy that house?

- 1) advice 2) aspect 3) cause 4) case

1590. Their marriage was announced in regions .

- 1) necessary 2) serious 3) religious 4) various

1591. The plants that cannot a cold winter should be planted in greenhouse.

- 1) exist 2) remain 3) face 4) suffer

1592. This president robs people from their civil

- 1) roles 2) rights 3) competitions 4) positions

1593. Galileo was forced to make a public of his belief that the earth goes around the sun.

- 1) denial 2) inaction 3) ignorance 4) distraction

1594. We asked the guests for the of their visit for a few more days.

- 1) formation 2) extension 3) proportion 4) enhancement

1595. He his life to the help of the poor.

- 1) devoted 2) released 3) linked 4) forwarded

1596. After graduating from college, she a charity organization.

- 1) managed 2) survived 3) speculated 4) volunteered

1597. The clerk was to another department.

- 1) refused 2) transferred 3) designed 4) performed

1598. Newspapers, magazines, and TV are important for advertising.

- 1) pace 2) media 3) capacity 4) mission

1599. In my family, my is to set the table.

- 1) task 2) aspect 3) assignment 4) relation

1600. Jane is the book department of the store.

- 1) in charge of 2) by means of 3) on top of 4) on the order of

afraid of	ترسیدن از	sorry about	متاسف بودن در مورد
aware of	آگاه بودن از	worried about	نگران از
ashamed of	شرمنده از	agree about	موافق بودن در مورد
conscious of	هشیار از	bring about	موجب شدن ، ایجاد کردن
fond of	علاقه‌مند به	learn about	با خبر شدن از
full of	پر از	think about	فکر کردن در مورد
frightened of	ترسیده از	different from	متفاوت از
proud of	مغرور از	prevent from	جلوگیری کردن از
sure of /about	مطمئن بود از / در مورد	famous for	مشهور به خاطر
tired of	خسته از	happy for	خوشحال از
consist of	شامل بودن بر	responsible for	مسئول برای
think of	به فکر بودن	right for	مناسب بودن برای
angry with	عصبانی از	sorry for	متاسف بودن از
annoyed with	ناراحت از	care for	مراقبت کردن از
bored with	کسل از	wait for	منتظر بودن برای
crowded with	شلوغ از	thank for	تشکر کردن بابت
concerned with	علاقه‌مند به، مربوط بودن به	stand for	دلالت کردن بر
happy with	خوشحال از	look for	جست و جو کردن
pleased with	خشنود از	concerned for	نگران از
agree with	موافق بودن با	bad at	بی مهارت / بد در
stick with	چسبیدن/وفادار بودن به	good at	ماهر / خوب در
concerned about	نگران از	shocked at	شوکه شده از
confused about	گیج از	surprised at	متعجب از
excited about	هیجان زده از	look at	نگاه کردن به
serious about	جدی در مورد	interested in	علاقه‌مند به

a bad apple	کسی که تاثیر بد دارد و مشکل درست می‌کند	be quite beyond me	خارج از درک بودن
a bird in the hand is better than two in the bush	نقد بهتر از نسیه است	be up to your ears in sth	تا خرخره در چیزی فرورفتن
a bit rusty	ناآماده بودن	beat around the bush	طفره رفتن
a black sheep	مایه ننگ خانواده بودن	beside yourself with joy	بسیار خوشحال بودن
a fat cat	پولدار بودن	between a rock and a hard place	بین بد و بدتر (یا دو انتخاب بد) گیر کردن
a hard nut to crack	کسی که کار و مصاحبت با او مشکل باشد	beyond/over my head	خارج از درک بودن
a rising tide lifts all boats	اقتصاد خوب به نفع همه است	black and blue	کبود
a rule of thumb	راه روش تجربی(دربرابر آکادمیک)	blow hot and cold	با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن
a snowball effect	اثر فزاینده و هر لحظه بیش از پیش	blow off steam	خوب کردن حال خود
add insult to injury	بدتر کردن شرایط	boggle one's mind	ذهن را مشغول کردن
after all	بالاخره/هرچه باشد	boil the ocean	کار ناممکن کردن
after one's own heart	همون که دل کسی دنبالشه	born with a silver spoon in one's mouth	خانواده پولدار داشتن
all bark but no bite	کسی که فقط حرف می‌زند و عمل نمی‌کند	bread and butter	منبع درآمد
all brawn and no brain	کسی که زورش زیاد است اما عقلش نه	break a leg	موفق باشی
all thumbs	دست و پا چلفتی	break even	نه سود و نه ضرر کردن
arrived on the dot	دقیقا سر وقت	break fresh/ new ground	کاری را برای اولین بار کردن
as cold as stone	بی‌احساس بودن	break the ice	آب شدن یخ (پیش کسی)
as hard/ tough as nails	سرسخت بودن	burn your boats/bridges	پل‌های پشت سر را خراب کردن
as pale as death	رنگ‌پریده بودن	bury the hatchet	به اختلافات پایان دادن
as yet	تا الان	bury your head in the sand	مثل کبک سر را زیر برف کردن
at sea	سردرگم	butter someone up	پاچه‌خواری کردن
at the 11th hour	در لحظات آخر	buy a lemon	ماشین به‌دردنخور خریدن
back against the wall	گیر افتادن در شرایط سخت	by any chance	احتمالاً
barking up the wrong tree	کار بی‌نتیجه کردن	do by the skin of your teeth	با همه وجود (دقیق و بی‌نقص) انجام دادن
be down on one's luck	بدشانسی آوردن	by the way	ضمناً
be in a tight corner	در شرایطی سختی بودن	call it a day	تمام کردن روز کاری
be more than one can take	فراتر از حد تحمل کسی بد و ناخوشایند بودن	calm before the storm	آرامش قبل از طوفان
be my guest	بفرمایید	catch sb off guard	غافلگیر کردن
be on good terms	رابطه خوبی داشتن		

B: Well, we'll do our best to ... (1713) ... your bag as quickly as possible.

A: What if my suitcase is lost ... (1714) ...?

B: Baggage usually turns up, so let's ... (1715) ...

A: I'm really up the creek now. It ... (1716) ... my mind how you can just lose someone's luggage!

1713. 1) call down 2) drop in 3) back up 4) track down

1714. 1) for good 2) on thin ice 3) in the wind 4) out of the blue

1715. 1) take a rain check 2) add insult to injury

3) take it with a grain of salt 4) cross that bridge when we come to it

1716. 1) hovers 2) shames 3) boggles 4) shoots

A: Your name ... (1717) Do you work at Herco Insurance?

B: I used to be in sales there. I left about a year ago.

A: I used to work at Comtak International. You sold us our insurance plan.

B: Yes, that's right. It's ... (1718) ...! A: It sure is. I'm glad we've crossed paths again.

1717. 1) rings a bell 2) spills the beans 3) misses the boat 4) leaves no stone unturned

1718. 1) fit as fiddle 2) a small world 3) on cloud nine 4) a rule of thumb

A: Jen, have you set a date for the wedding yet?

B: Not exactly, things are up in the ... (1719) ... and we're not sure if our families can ... (1720) ... on the day we wanted. Hopefully we'll know soon and we'll let you know as soon as possible.

1719. 1) air 2) sky 3) cliff 4) windmill

1720. 1) show it 2) turn in 3) make it 4) tag along